

سورة الاحقاف

بسمه تعالی



دانشکده اقتصاد و مدیریت

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته علوم اقتصادی

موضوع:

بررسی رابطه بین تورم، نابرابری در آمد و رشد اقتصادی

اساتید راهنما :

دکتر هدایت منتخب دکتر حسن خداویسی

اساتید داور:

دکتر سلیمان فیضی دکتر حمیدرضا فعالجو

تنظیم و نگارش:

آیسان زینالی

۲۴ بهمن ۹۱

حق چاپ برای دانشگاه ارومیه محفوظ است.

چکیده

در سالهای اخیر، مقوله تورم و توزیع درآمد به گستردگی در مباحث کلان اقتصادی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. اقتصاد ایران گذشته از اینکه در بیش از سه دهه گرفتار تورم کمابیش سنگین بوده، از نابرابری در توزیع درآمد ها نیز درامان نمانده است و همچنین توزیع نابرابر درآمد از نظر عدالت اجتماعی نامطلوب میباشد. برجسته ترین داورها در مورد رابطه بین تورم و فقر و توزیع درآمد بدبینانه است یعنی تورم موجب افزایش نابرابری درآمد میشود.

موضوع دیگری که عمدتاً طی دهه جاری در متون اقتصادی-سیاسی، مورد توجه قرار گرفته است، اثر تغییرات توزیع درآمد بر رشد اقتصادی میباشد. این مطالعات نشان می دهد که توزیع نابرابر درآمد موجب کندی رشد اقتصادی می گردد. با توجه به اهمیت رشد اقتصادی در پیشرفت جوامع، بررسی عواملی که بر رشد اقتصادی اثر میگذارند از اهمیت خاصی برخوردار است.

بنابراین هدف اصلی این تحقیق بررسی رابطه بین تورم، نابرابری درآمد و رشد اقتصادی می باشد. برای این منظور از داده های سالانه ۸۷-۱۳۴۸ و مدل همگرایی یوهانسن - جوسیلیوس و علیت گرنجری استفاده شده است. نتایج بررسی نشان می دهد که رابطه منفی بین تورم و رشد اقتصادی وجود دارد. یعنی وجود تورم سبب کاهش رشد اقتصادی می شود. همچنین نتایج بررسی های انجام شده در رابطه بین توزیع درآمد و رشد اقتصادی نشان می دهد که در کشور در حال توسعه ای مانند ایران رابطه بین دو متغیر مثبت می باشد. یعنی توزیع ناعادلانه تر درآمد سبب رشد اقتصادی بیشتر می شود.

کلمات کلیدی: تورم، نابرابری درآمد، رشد اقتصادی

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات تحقیق

۹	۱-۱- مقدمه
۹	۲-۱- تعریف مسأله و بیان اصلی تحقیق
۱۲	۳-۱- ضرورت و اهمیت انجام تحقیق
۱۳	۴-۱- اهداف تحقیق
۱۳	۵-۱- فرضیات تحقیق
۱۳	۶-۱- روش و ابزار گردآوری اطلاعات
۱۳	۷-۱- جامعه و نمونه آماری

فصل دوم: ادبیات تحقیق

۱۵	۲-۱- مقدمه
۱۵	۲-۲- رشد اقتصادی
۱۷	۳-۲- توزیع درآمد
۱۹	۴-۲- تورم
۲۰	۵-۲- رابطه بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد
۲۰	۵-۲-۱- مبانی نظری

۲۲	۲-۵-۲- سناریو های مختلف در مورد رابطه رشد و توزیع درآمد
۲۳	۲-۶- رابطه بین تورم و توزیع درآمد
۲۵	۲-۷- رابطه بین تورم و رشد اقتصادی
۲۸	۲-۸- معرفی الگوی نظری
۳۵	۲-۹- مطالعات انجام شده
۳۵	۲-۹-۱- مطالعات داخلی
۳۶	۲-۹-۲- مطالعات خارجی

فصل سوم : روش تحقیق

۴۰	۳-۱- مقدمه
۴۰	۳-۲- آزمون ریشه واحد
۴۱	۳-۲-۱- آزمون ریشه واحد دیکی-فولر
۴۳	۳-۲-۲- آزمون ریشه واحد فیلیپس و پرون
۴۳	۳-۳- همگرایی متقابل و تصحیح خطا (ECM)
۴۸	۳-۴- همگرایی متقابل
۴۹	۳-۴-۱- همگرایی متقابل یوهانسن
۵۱	۳-۴-۲- آزمون اثر و آزمون حداکثر مقدار ویژه
۵۳	۳-۴-۳- آزمون فرض
۵۶	۳-۴-۴- طول و وقفه ی بهینه
۵۷	۳-۴-۵- آزمون علیت گرنجر
۵۸	خلاصه فصل

فصل چهارم : تجزیه و تحلیل داده ها و اطلاعات

۶۰	۱-۴- مقدمه
۶۰	۲-۴- ارائه مدل و توضیح متغیرها
۶۱	۳-۴- آزمون ریشه واحد دیکی-فولر و فیلیپس-پرون
۶۳	۴-۴- آزمون علیّت گرنجری
۶۵	۵-۴- بررسی رابطه بلند مدت از روش یوهانسن جوسیلیوس
۶۸	۶-۴- مدل تصحیح خطای برداری (ECM)
۷۰	۷-۴- آزمون های تشخیص
۷۱	۸-۴- نتیجه گیری فصل

فصل پنجم : نتیجه گیری و پیشنهادات

۷۴	۱-۵- مقدمه
۷۵	۲-۵- نتایج علیّت گرنجری
۷۵	۳-۵- نتایج رابطه همگرایی یوهانسن
۷۵	۴-۵- نتایج مدل تصحیح خطای برداری
۷۶	۵-۵- پیشنهادات
۷۸	ضمیمه
۸۷	منابع

فهرست نمودارها

۱۷	نمودار تولید ناخالص داخلی
۱۹	نمودار ضریب جینی
۲۰	نمودار شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی

فهرست جداول

۶۲	جدول (۱-۴) آزمون ریشه واحد دیکی-فولر تعمیم یافته
۶۲	جدول (۲-۴) آزمون ریشه واحد فیلیپس-پرون
۶۳	جدول (۳-۴) آزمون ریشه واحد دیکی-فولر تعمیم یافته برای تفاضل اول متغیرها
۶۳	جدول (۴-۴) آزمون ریشه واحد فیلیپس=پرون برای تفاضل اول متغیرها
۶۴	جدول (۵-۴) آزمون علیت گرنجری بین نابرابری در آمد و رشد اقتصادی
۶۴	جدول (۶-۴) آزمون علیت گرنجری تورم و رشد اقتصادی
۶۶	جدول (۷-۴) آماره آزمون و معیار انتخاب وقفه بهینه در مدل VAR
۶۷	جدول (۸-۴) نتایج آزمون اثر الگوی اول
۶۷	جدول (۹-۴) نتایج آزمون حداکثر مقدار ویژه برای الگوی چهارم
۶۸	جدول (۱۰-۴) بردارهای هم انباشته کننده و بردارهای نرمال شده
۶۹	جدول (۱۱-۴) خلاصه نتایج مدل تصحیح خطای برداری
۷۰	جدول (۱۲-۴) خلاصه آزمون های تشخیصی مدل

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱- مقدمه

در این فصل ابتدا تعریف مسأله و بیان اصلی تحقیق و سپس ضرورت و اهمیت انجام تحقیق ارائه شده است. در گام بعدی اهداف تحقیق، فرضیات، تعریف واژگان و اصطلاحات کلیدی، روش و ابزار گردآوری اطلاعات، جامعه و نمونه آماری آورده شده است.

۱-۲- تعریف مسأله و بیان اصلی تحقیق

رشد اقتصادی یک کشور عبارتست از افزایش تولید ملی واقعی سرانه آن کشور در یک دوره ی بلند مدت.

با توجه به اهمیت رشد اقتصادی در پیشرفت جوامع بررسی عواملی که بر رشد اقتصادی اثر میگذارند از اهمیت خاصی برخوردار است. مرور ادبیات مربوط به رشد اقتصادی حاکی از آن است که عوامل متعددی بر رشد اقتصادی موثر است که مهمترین آنها سرمایه، نیروی کار و پیشرفت تکنولوژیکی می باشد، از سوی دیگر تورم نیز یکی از مشکلات اساسی اقتصادی مخصوصا در کشورهای در حال توسعه است که عمدتا اثرات نامطلوبی بر فرایند رشد و توسعه اقتصادی بر جای گذارده است، به همین دلیل در مطالعه رشد اقتصادی یک کشور بررسی اثرات تورم بر رشد به عنوان

یکی از عواملی که رشد اقتصادی را تحت تاثیر قرار می دهد، می تواند زوایای خاصی از رابطه بین این دو پدیده را روشن سازد. وجود و ماهیت ارتباط بین تورم و رشد اقتصادی یکی از موضوعات مورد بحث بین اقتصاددانان بوده است. برخی از مکاتب اقتصادی نقش تورم را در افزایش هزینه سرمایه و ریسک سرمایه گذاری و در نتیجه کاهش سرمایه گذاری میدانند و لذا معتقدند که تورم اثرات منفی و بازدارنده نسبت به رشد اقتصادی دارد. در مقابل مکاتب دیگری نیز وجود دارند که معتقدند با وجود توهم پولی در بین کارگران و با اطلاعات ناقص آنها، تورم میتواند از طریق توزیع مجدد درآمد از سوی کارگران که میل کمی به پس انداز دارند به سمت کارفرمایان که میل بالاتری به پس انداز دارند مشوق رشد اقتصادی باشد.

رابطه میان رشد اقتصادی و توزیع درآمد، مورد توجه نهادهای سیاست گذاری قرار دارد، زیرا سیاست گذار اقتصادی نمی تواند از برنامه ریزی برای دستیابی به اهداف مشخص برای این دو مؤلفه غافل بماند. برای سیاست گذار همیشه این دغدغه وجود دارد که آیا برای تسریع در رشد اقتصادی باید سطحی از نابرابری درآمد را پذیرفت یا برای بهبود در توزیع درآمد، باید به کند شدن رشد اقتصادی تن داد؟ بنابراین، تبیین نظری ارتباط متقابل بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد می تواند پاسخگوی یکی از پرسش های اساسی و بنیادین برنامه ریزان اقتصادی، به ویژه در کشورهای در حال توسعه باشد؛ زیرا کشورهای مزبور، همواره از سطح پایین درآمد سرانه و نیز گستردگی شکاف های درآمدی در رنج بوده اند. شاید بتوان گفت، ریشه کن کردن فقر و تعدیل نابرابری درآمد، وقتی همراه با رشد اقتصادی در نظر گرفته شود، به بزرگترین هدف و دشوارترین وظیفه ی سیاست گذاران اقتصادی در کشورهای در حال توسعه تبدیل می شود.

این موضوع که چرا کشورهای مختلف در زمانهای مختلف، نرخ های رشد متفاوت دارند همواره مورد بحث بوده است. برای درک این اختلاف توجه به سیاست گذاری اهمیت زیادی دارد. کاهش رشد اقتصادی می تواند بوسیله سیاست گذاری های صحیح اصلاح شود یا سیاست گذاری های نامناسب می تواند مانع از رشد اقتصادی گردد. لازم به ذکر است که سیاست گذاری عاملی نیست که بطور اتفاقی در کشورهای مختلف تغییر کند، بلکه ناشی از اقدامات عامدانه و با هدف سیاست گذاران است.

ترستن پرسن و گیدو تابالینی^۱ (۱۹۹۴) معتقدند که رشد اقتصادی توسط عواملی همچون انباشت سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی و اطلاعات قابل استفاده در تولید و انگیزه افراد برای پس انداز و توانایی افراد در تخصیص خصوصی^۲ حاصل تلاششان تعیین می گردد. در جوامعی که تضاد طبقاتی اهمیت دارد، تصمیمات سیاسی به نتایجی منجر می شود که به تخصیص خصوصی کمتر و در نتیجه انباشت سرمایه و رشد کمتر منجر خواهد شد. همچنین پاره ای از اقتصاددانان برآنند که یک تورم ملایم در سیستم اقتصادی، آثاری مثبت بر اوضاع اقتصادی (از راه متغیرهای واسط) می گذارد. از این دیدگاه، ادعا می شود که : (۱) تورم برای گروه های کم درآمد گونه ای کمک به شمار می آید، زیرا در ترازنامه ی گروههای کم درآمد، بدهی ها از درآمد بالاتر است و تورم باعث می شود که بازپرداخت این بدهی ها آسانتر صورت پذیرد. البته باید دانست که این وضع گاهی راست می آید که گروه های کم درآمد به منابع مالی گسترده ای دسترسی داشته باشند که بتوانند از آنجا وام بگیرند و پس از آن، در سایه ی تورم، قدرت بازپرداخت ایشان افزایش یابد. بنابراین اگر گروه های کم درآمد به نظام های بانکی کشور چندان دسترسی نداشته باشند، توزیع ثروت از راه تورم امکان پذیر نخواهد بود؛ (۲) بر پایه ی مدل فیلیپس، رابطه ای معکوس میان تورم و بیکاری فرض شده است ، به گونه ای که سطوح بالای تورم، موجب کاهش بیکاری می شود. با توجه به اینکه بیکاری یکی از مهمترین متغیرهای اثرگذار بر سطح و میزان فقر در جامعه است، بالا رفتن نرخ تورم می تواند با واسطه ی کاهش نرخ بیکاری به بهبود وضع توزیع درآمد و کاهش فقر کمک کند. این مدل که برای کشورهای صنعتی و پیشرفته طراحی شده بود بر پایه ی شواهد تجربی رد شد.

ولی برجسته ترین داوریهها درباره ی ارتباط تورم و فقر و توزیع درآمد، بدبینانه است. در کشورهایمانند ایران که دولت نقش مهمی در اقتصاد دارد، دگرگونیهای بزرگ در حجم نقدینگی، به دست دولت پدید می آید و تورم گونه ای پس انداز اجباری شمرده می شود که به تملک دولت درمی آید. در اصطلاح به این پس انداز، مالیات تورمی گفته می شود. در واقع دولت با افزایش دادن حجم نقدینگی و ایجاد تورم، از شهروندان از راه افزایش قیمت، مالیات میگیرد و گونه ای از جریان انتقال ثروت از کسانی که درآمدهای ثابت دارند به سوی کسانی که افزایش حجم نقدینگی به آنها تعلق می گیرد پدید می آید. این روند از راه گسترش اعتبارات صورت می پذیرد و

¹ Persson, Torsten and Tabellini, Guido

² privately appropriate

باعث بالا گرفتن معضلات اقتصادی و افزایش شکاف فقر و بدتر شدن توزیع درآمد در جامعه می شود.

در تاریخ بشر توزیع درآمد با مفاهیم متفاوت و در زمینه های مختلف اقتصادی اجتماعی ظاهر شده است، این موضوع هیچ گاه مفهوم اقتصادی صرف و یا مفهوم غالب اقتصادی نبوده است. همچنین این موضوع با عناوین مختلفی همچون عدالت قانونی، عدالت سیاسی (یک فرد، یک رأی) و عدالت اجتماعی آمیخته شده است. به رغم آنکه برابری اقتصادی از دیرباز مورد توجه بوده است، سوابق زیادی از کار نظام مند در مفاهیم برابری درآمد و یا اندازه ی توزیع درآمد وجود ندارد.

۱-۳- ضرورت و اهمیت انجام تحقیق

امروزه شرایط اقتصادی همچون گذشته تغییرناپذیر شمرده نمیشود و گرایش جامعه به یکسان سازی سطح زندگی برای افراد رو به گسترش گذاشته است. در واقع، این گرایش عمومی که درآمد واقعی هر فرد، کمتر از یک حداقل مشخص نباشد، در کشورهای توسعه یافته تا اندازه ی زیادی پدید آمده است. برآوردن این حداقل زندگی است که الزام شناخت عوامل مؤثر بر توزیع درآمد و ارتباط میان آنها را در پی آورده است تا تنظیم روشهایی اصولی در راستای کاهش بیعدالتی اقتصادی میسر شود. توجه به این نکته در کشورهای رو به توسعه مانند ایران که از نابرابریهای ژرفتری رنج می برند، ضرورت انکارناپذیر دارد^۳. کشور ما در مقطع حاضر در وضعیتی قرار دارد که بدلائل مختلف، از قبیل تأمین فرصت های شغلی مورد نیاز نسل جوان و تأمین درآمد سرانه قابل مقایسه با کشور های مشابه در شرایط کنونی، نیازمند به رشدی سریع و مستمر است. حصول به چنین وضعیتی، ضمن آنکه دشواریهای خاص خود را داراست این نگرانی را نیز به همراه دارد که فراهم آوردن رشد شتابان موجب بروز نابسامانیهایی در توزیع درآمد گردد. لذا لازمست ضمن آنکه اثرات رشد اقتصادی بر توزیع درآمد مورد تجزیه و تحلیل قرار میگیرد، تأثیر معکوس آن نیز ارزیابی شده و تأثیرپذیری رشد اقتصادی از توزیع درآمد نیز بررسی گردد. ادبیات پیچیده و پر دامنه رشد و نیز تجارب گسترده در این زمینه، حکایت از آن دارد که درجه حصول و موفقیت رشد بلند

مهرگان و محسنی، ۱۳۸۷،^۳

مدت اقتصادی، بستگی به لحاظ نمودن عوامل تأثیرگذار از جمله مسئله توزیع درآمد و تورم، در برنامه های رشد اقتصادی دارد. ارتباط بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد به نحو غیر قابل انکاری پیچیده است.

۱-۴- اهداف تحقیق

هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی رابطه بین تورم، نابرابری درآمد و رشد اقتصادی می باشد.

۱-۵- فرضیات تحقیق

تورم و نابرابری درآمد تاثیر معنی داری بر رشد اقتصادی دارند.

۱-۶- روش و ابزار گردآوری اطلاعات

در این تحقیق برای جمع آوری مباحث تئوریک، از روش کتابخانه ای (کتب و مقالات) استفاده شده است و منبع گردآوری تمامی داده های مورد استفاده در تحقیق گزارش بانک مرکزی در سال های مختلف می باشد.

۱-۷- جامعه و نمونه آماری

در این مطالعه از داده های سالانه ضریب جینی، GDP و CPI کشورایران بین سالهای ۱۳۴۸ الی ۱۳۸۷ که توسط بانک مرکزی منتشر شده استفاده شده است.

فصل دوم

ادبیات تحقیق

۲-۱- مقدمه

در این فصل به ادبیات تحقیق پرداخته شده است. برای این منظور ابتدا مفاهیم رشد اقتصادی، نابرابری درآمد و تورم از نظر گذرانده شده و سپس به بررسی تأثیر نابرابری درآمد بر رشد اقتصادی و همچنین رابطه بین تورم و توزیع درآمد پرداخته می شود. در ادامه نیز مطالعات تجربی انجام شده مرتبط با موضوع تحقیق در ایران و در خارج کشور آورده شده است.

۲-۲- رشد اقتصادی

آدام اسمیت که از پیشگامان مکتب کلاسیک و پدر علم اقتصاد به شمار می رود، معتقد بود که در اثر ازدیاد تولید، رشد اقتصادی حاصل می گردد و با پیشرفت فنی و افزایش میزان سرمایه گذاری، جریان توسعه تحقق می یابد. این امر سبب می گردد که میزان دستمزد به مرور از سطح دستمزد معیشتی فاصله بگیرد و افزایش سطح دستمزدها می تواند نقش مؤثری در بهبود وضعیت اقشار فقیر داشته باشد. شرط تحقق این امر از نظر وی، وجود رقابت کامل، آزادی کسب و کار و عدم دخالت دولت در اقتصاد است.

آدام اسمیت می گوید " زمانی که جامعه برای دستیابی به رشد بیشتر تلاش میکند (حتی اگر نتوانسته باشد بطور کامل به آن دست یابد) موقعیت و شرایط نیروی کار که بخش بزرگی از جمعیت را تشکیل می دهد بهبود می یابد. به

عبارت روشن تر، دستیابی طبقه کارگر به رفاه، در شرایط ایستا هنگامیکه اقتصاد مسیر رکودی را طی میکند بسیار مشکل است. درچنین شرایطی موقعیت نیروی کار بسیار بد و فقر گسترده می شود. حتی اگر کشور به ثروت حقیقی رسیده باشد (ولی رشد متوقف شده باشد) بهبود وضعیت طبقه کارگر امکان پذیر نیست، مگر آنکه اقتصاد در مسیر رشد سریع قرار بگیرد. مسیر رشد، دستمزد نیروی کار را در سطح بالایی قرار می دهد"⁴

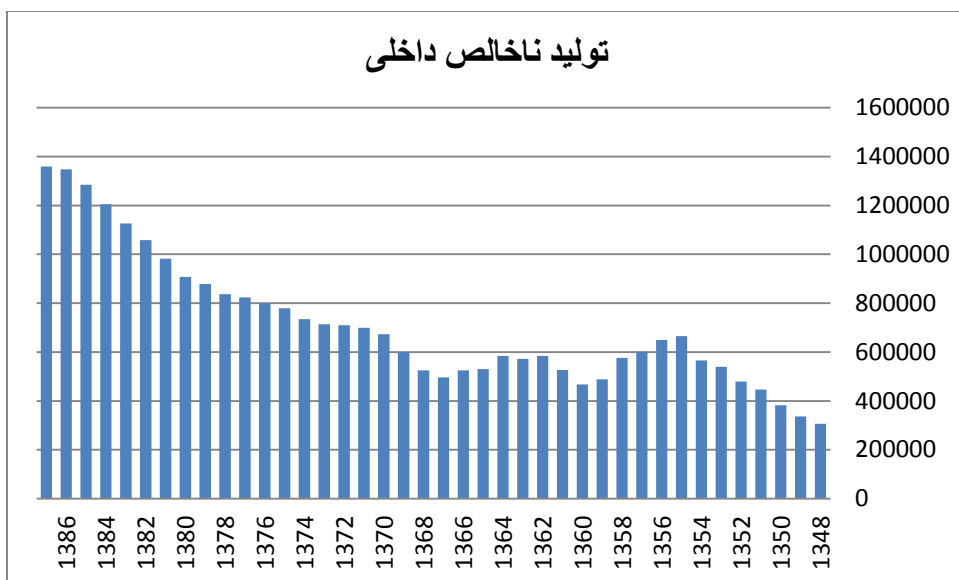
بطور خلاصه، از نظر آدام اسمیت رکود اقتصادی که طی آن دستمزد در سطح پائینی قرار میگیرد منجر به فقر نیروی کار شده و ادامه آن میتواند تمامی جامعه را در برگیرد. این وضعیت بهبود نخواهد یافت مگر آنکه اقتصاد در مسیر رشد مداوم قرار بگیرد. طبق تحقیق دانیلسون⁵ (۲۰۰۱) نیز اگر رشد اقتصادی وجود داشته باشد، درآمدها افزایش می یابند و در نتیجه فقر درآمدی کم می شود و توزیع درآمد بهبود می یابد، از این طریق ابعاد غیردرآمدی فقر نیز کاهش می یابد. کاکوانی، خاندکر و سان (۲۰۰۳)⁶ با بررسی داده های ۸۰ کشور در طی ۴ دهه، به این نتیجه رسیدند که از رشد اقتصادی به همان اندازه که کل اقتصاد بهره مند می شود، فقرا نیز منتفع می گردند. از این رو برای کاهش فقر و توزیع عادلانه تر درآمدها، رشد اقتصادی لازم است ولی برای حداکثر کردن مقدار کاهش در فقر و دستیابی به عادلانه ترین توزیع درآمد ممکن تنها نمی توان به سیاست حداکثرسازی رشد اقتصادی اکتفا کرد.

رشد اقتصادی بالا و برخورداری از شرایط اقتصادی مناسب تر، فرصت های بیشتری را برای افزایش درآمد های جامعه از طریق گسترش بازارها، فرصت ها و محرک های لازم برای افزایش درآمد همه گروههای کم درآمد جامعه، می تواند ایجاد نماید. یکی از مقیاس های اندازه ی اقتصاد تولید ناخالص داخلی می باشد در ایران روند تولید ناخالص داخلی بین سالهای ۱۳۴۸ الی ۱۳۸۷ به صورت زیر می باشد.

⁴ A.Smith in Rostow 1990, p.68,81

⁵ Danielson

⁶ Kakwani Nanak, Shahidur Khandker and Hyun H. Son



منبع داده ها : سری های زمانی بانک مرکزی

۲-۳- توزیع درآمد

در ادبیات موضوع، به توزیع درآمد از دو منظر توجه شده است: توزیع درآمد شخصی (توزیع درآمد در میان واحدهای اقتصادی مانند فرد، خانوار، بنگاه و ...) و توزیع درآمد عواملی (توزیع درآمد در بین عوامل تولید مثلاً کار و سرمایه). توزیع درآمد مبتنی بر عوامل تولید، سهم هر یک از عوامل تولید را از درآمد ملی محاسبه و توضیح می دهد، توزیع درآمد مبتنی بر فرد به صورت متداول ترین روش سنجش توزیع درآمد به کار رفته است. در این روش، کل درآمد فرد یا خانوار به عنوان متغیر اصلی مورد توجه است، خواه این درآمد تماماً ناشی از اشتغال یا از منابع دیگری مانند بهره، سود، اجاره، هبه و ارث باشد؛ بدون توجه به موقعیت جغرافیایی (شهر و روستا) و منابع شغلی درآمد (مثلاً کشاورزی، صنایع کارخانه ای، تجارت، خدمات). شواهد تجربی و تاریخی کشورهای مختلف جهان در زمینه نابرابری در توزیع درآمد، حاکی از آن است که نابرابری در عوامل مختلفی مانند جغرافیایی، جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موجب نابرابری در توزیع درآمد و تشدید آن می شوند. نابرابری اقتصادی ناشی از خصوصیات شخصی، شرایط کار و شغل، ساخت بازار، نوع درآمد، شرایط توسعه اقتصادی و سیاست های اقتصادی

است. برای تعدیل نابرابری اقدامات گوناگون از جمله: کنترل قیمت ها، تعیین حداقل دستمزد، پرداخت یارانه، کمک به افزایش بهره وری طبقات کم درآمد و توزیع مجدد ابزار تولید، تجربه شده است.

مهمترین شاخصهای سنجش وضعیت توزیع درآمد در یک زمان معین عبارت است از انحراف معیار، انحراف معیار لگاریتمی، ضریب تغییرات، ضریب چولگی، ضریب کشیدگی، انحراف از میانگین نسبی، قانون توزیع درآمد پارتو، منحنی لورنز، ضریب تراکم جینی، شاخص نابرابری تیل، نسبت سهم گروههای پر درآمد به گروههای کم درآمد و شاخص نابرابری اتکینسن.^۷ در این مطالعه ما تنها به بررسی منحنی لورنز، ضریب تراکم جینی اشاره میکنیم و از بقیه شاخص ها صرف نظر میکنیم.

منحنی لورنز

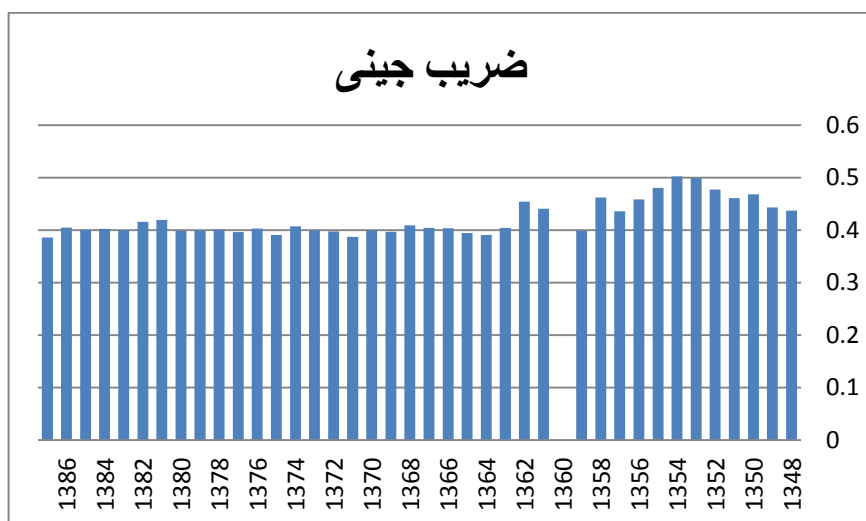
اگر روی محور طول ها تعداد جمعیت را به صورت تجمعی و روی عرض ها مقدار درآمد را به صورت تجمعی مشخص نماییم، به طوریکه محور طول ها از ۰ تا ۱۰۰ و محور عرض ها نیز از ۰ تا ۱۰۰ تقسیم شود و سپس محل تقاطع هر یک از جمعیتها با درآمدشان را با خطی به همدیگر متصل سازیم منحنی حاصل منحنی لورنز نامیده میشود. به دیگر سخن، منحنی لورنز مکان هندسی نقاطی است که مختصات آنها درصدهای جمعی جمعیت و درآمد باشد.

ضریب جینی

این روش توسط جینی آماردان ایتالیایی ابداع شده است. در این روش نسبت مساحت سطح بین منحنی لورنز و قطر مربع را به نصف مساحت مربع به دست می آورند. بنابراین مقدار ضریب جینی بین عدد ۰ و عدد ۱ است، که هرچه از ۰ به سمت ۱ برویم بر میزان نابرابری افزوده خواهد شد. در حالتی که منحنی لورنز بر خط برابری کامل منطبق شود، یعنی مقدار جینی برابر ۰ شود، توزیع درآمد کاملاً برابر می باشد و در حالتی که مقدار ضریب جینی برابر ۱ شود، توزیع درآمد کاملاً نابرابر است. البته در عمل، هیچ کدام از این دو حالت وجود ندارند. برای طبقه بندی کشورها برحسب ضریب جینی، کشورهای با ضریب جینی بالاتر از ۰/۵ را کشورهای با توزیع درآمد بسیار نابرابر، کشورهای با ضریب جینی بین ۰/۴ و ۰/۵ را کشورهای با توزیع کمتر

^۷ طاهری، ۱۳۶۶

نابرابر و کشورهای با ضریب جینی کمتر از ۰/۴ را کشورهای با توزیع نسبتاً برابر می نامند. نمودار ضریب جینی در کشور ایران طبق گزارش بانک مرکزی از سال ۱۳۴۸ ای ۱۳۸۷ به صورت زیر می باشد. ضریب جینی در کشور نشان از بهبود این شاخص در سال ۸۷ در مقایسه با ۱۰ سال گذشته دارد.

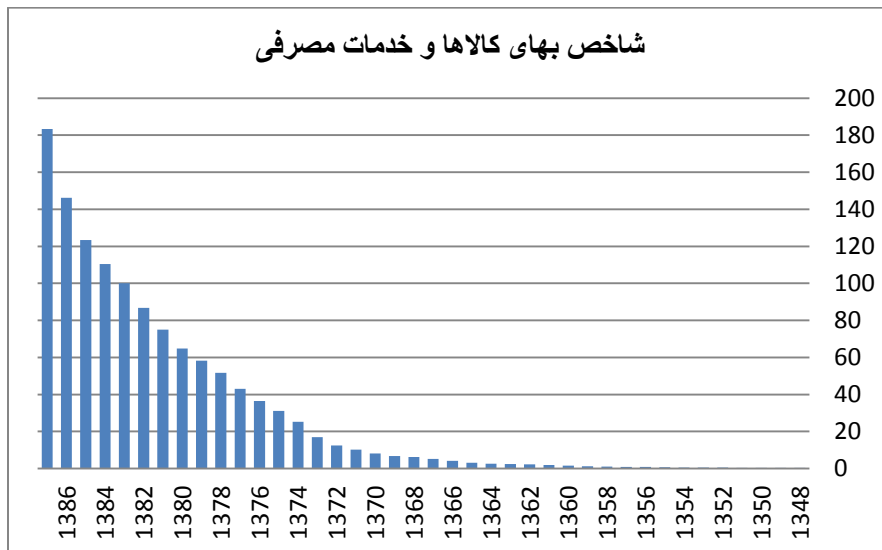


منبع داده ها : سری های زمانی بانک مرکزی

۲-۴- تورم

در کلی ترین بیان، تورم عبارت است از افزایش مداوم سطح عمومی قیمت‌ها در یک دوره زمانی مشخص، بنابراین، ویژگی اصلی تورم، تداوم افزایش قیمت‌هاست. لذا افزایش دفعه‌ای قیمت‌ها و همچنین افزایش قیمت یک یا چند کالای خاص، تورم به شمار نمی‌رود. برای اندازه‌گیری میزان نوسان‌های قیمت کالاها و خدمات را در یک سال خاص نسبت به سال پایه می‌سنجند، که در ایران با عنوان «شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی»^۸ معروف است که به طور ماهیانه توسط بانک مرکزی محاسبه و منتشر می‌شود. نمودار زیر شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی به سال پایه ۸۳ را طی سال‌های ۱۳۴۸ الی ۱۳۸۷ نشان می‌دهد.

^۸ CPI



منبع داده ها : سری های زمانی بانک مرکزی

۲-۵- رابطه بین رشد و توزیع درآمد

در ادبیات رابطه رشد و توزیع درآمد به سه دوره قابل تمایز است: دوره نخست شامل دهه های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ می شود که در این دوره اقتصاددانان رشد و صنعتی شدن را راه حل اصلی کاهش فقر دانسته اما به پیامدهای توزیعی آن توجه زیادی نداشتند. در دوره دوم که از اواسط دهه ۱۹۵۰ آغاز و تا اواسط دهه ۱۹۷۰ ادامه می یابد، بر تضاد میان رشد و توزیع درآمد و لزوم دخالت دولت جهت مدیریت فرآیند رشد تاکید می شود. دوره سوم و پایانی نیز از اواسط دهه ۷۰ آغاز شده و تاکنون نیز ادامه دارد. در این دوره امکان وجود مبادله توزیع درآمد و رشد اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است.

۲-۵-۱- مبانی نظری

اقتصاددانان کلاسیک از قدیم اعتقاد داشتند که رشد اقتصادی به همراه بهبود توزیع درآمد مقدور نیست. آنان معتقد بودند که یکی از شرایط لازم برای ایجاد رشد سریع